

مصاحبه با خانم گل جان عادل

مصاحبه کننده: فاطمه فرامرز

سوال: سلام خانم عادل! خوش آمدید. میشه از آنجا شروع کنیم که نام تان چیست؟ تخلص تان چیست؟

جواب: تشکر، نام من گل جان، تخلص من عادل.

سوال: کجا به دنیا آمدین در افغانستان؟ و سال چند، البته اگر راحت باشین؟

جواب: من د بامیان، سال شصت و یک دیگه اصلاً نموفامم. سال من تا امی من استه، سالگره من، سپتمبر ۲۰، ۱۹۵۹. ای ام که راسه یا دروغه، خو او وختا دقیق کس ای تاریخ تولد مره کسی نمیگفت. خود تو خبر دری که د تاریخچه هزاره ای چیزا نبود.

سوال: از تاریخچه خانوادگی چیزی یاد شمو مانده؟ کدام سنتی، فرهنگی که عین از مادر و مادر کلان تان بلده از شمو مانده باشه و شمو هنوزم امور عملی کنین، چیه؟

جواب: مادر کلان من خو کل عمره د وطن بود. و امیطو چیزای سنتی نه، گلیم میشت، موفامیدوم که گلیم بود، خورجین بود،... اینمی چیزا بود، دیگه چیزای او طو چیزای نموفامم چه بود.

سوال: پدر و مادر شمو د افغانستان کار شان چه بود؟ از همو راهی که امرار معیشت موکدند، کار شان چه بود؟ دهقانی بود؟ مالدار بود؟

جواب: پدر من د افغانستان د کابل بودک. مادر من د وطن (دهات- بامیان) بود. دیگه من یک ساله بودوم که مادر من فوت کد.

- باز پدر شمو کارش چه بود؟ از چه طریق بلده از شمو خرچ و خوارک تهیه موکد؟
- امو د افغانستان (کابل) بود دیگه، نموفامم چه کار موکد. ما د وطن بودوم. ما ریزه بودوم د او وخت دیگه.
- سوال: هیچ وخت بلده از شمو قصه کدن که پدر و مادر چه رقم آشنا شدند، چه رقم ازدواج کدن؟
- جواب: نه، پدر و مادر مه خود تو خبر دری که د او وخت مردم اونه پدر شی، مادرای شی، پدرای شی مورافت خواستگاری موکد، یک دختر ره خوش شی میماد، د مو قریه شی خوش شی میماد، مورافت امو ره خواستگاری موکد، میورد د باچه خو. دیگه او وخت که کسی اجازه نداشت که ایرقم که بوره خود شان یکی ره سیل کنه و انتخاب کنه.
- باز آغای عادل ره هم بری از شمو پدر شمو انتخاب کد یا خود شمو انتخاب کدین؟ شمو چه رقم آشنا شدین؟
- آغای عادل ره دیگه فامیل شی انتخاب کد مره بری شان. به خاطری که مو نزدیک بودیم. د افغانستان، د کابل بودیم باز خویشاوندی هم دشتیم. خواستگاری امداند.
- قصه عروسی خو ره یک کم نمیکنی بریم؟ از شیرینی خوری و عروسی.
- نه، رسم شیرینی خوری هم ندشتیم، فقط یک عاروسی بسیار امیطور سبکک دشتیم دیگه خلاص.
- همو عروسی سبکک هم د خانه بوده...؟
- د خانه، بله! د خانه اونه امونجی یک چند دیگه پخته موکونه، یک ذره برنج پخته موکونه، د پالوی شی یک ذره گوشت و امو یک چند چار نفره ره طلب موکونه و یک سیل و سات تیری و خلاص.
- شو خینه و طوی فردایش یا نه؟

- نه، نه شو خینه داشتوم و هیچ چیز. انمو یک روز طوی داشتیم، خلاص. به خاطری اقتصاد، فامیلا اقتصاد نداشت دیگه د ازو وخت.

سوال: از زندگی روزمره د افغانستان بیشتر چه یاد شمو میه؟ بعد از ازدواج چه کار موکدین؟

جواب: بعد از ازدواج شوهر مه کار موکد، معاش شی خوب بود. ای که بود انجنیر بود، درس خواندد، کار شی خوب بود. مه خانم خانه بودوم.

سوال: چند تا اولاد دارین؟

جواب: اولاد دیگه مال خدا استه یک شش تا.

سوال: د کابل که بودین مردم از مراسم و جشن‌ها بیشتر چه چیزی ره جدی میگرفتند؟

جواب: مو از مراسم اینمی عید ره میگرفتیم، نوروز ره میگرفتیم، دیگه مولود شریف شوله موکدیم د خانه های خویش و قوم تقسیم موکدیم. اینمی چیزا بود.

- باز ازی جمع کدامش شوق و ذوق بیشتر داشت بری خانواده‌ها؟ بری اطفال؟

- یک نوروز بود که مورافتیم د تپه مورافتیم می گشتیم. د عید دیگه هم شوق داشتیم. د وخت خورترکی وختی آدم دستای خو خینه موکد، بازی و سات تیری. دیگه امی چیزا بود.

- د عید رمضان د کابل یک جنجال نموفامم از قبل بود یا نه که اهل تسنن یک روز زودتر از اهل تشیع عید موکدند. د دوران از شمو ای مساله بود؟

- یاد مه نمده، نموفامم.

- د ای بعدیا که مو کابل بودیم، همیشه اهل تسنن یک روز زودتر عید موکدن و اهل تشیع یک روز دیرتر.
- نموفامم، اقدر باز چیزا د یادمه نمنده.

سوال: محرم چقه تجلیل موشد او زمان د کابل.

جواب: محرمه دیگه مو تجلیل موکدیم، به خلطری بزرگ چیز موکد، موم یک شوله شیرین موکدیم، د بین فامیلا تقسیم موکدیم روز عاشورا. دیگه احترام دریم محرم، مخصد چیز نموکدیم. امو د خانای خو کلگی فامیلا یک شوله موکد، شوله شیرین یا شوله گوشتی یا هر چیزی که... یا حلوا موکدی» باز د بین خانای تقسیم موکدیم.

- خی نوروز بیشتر چه بوده که بیرون مورافتین سر تپه و میله گل سرخ شاید یگان وخت تا مزار. معمول بود؟

- نرافتیم راستش، چه امو مزار نرفتیم. سخی (زیارتی منسوب به امام اول شیعیان که در کارته سخی کابل موقعیت دارد) رافتیم د میله نوروز.

سوال: رابطه شمو یکی خو با اجتماع خود تان است نه، باز رابطه شمو با دیگه مردم هزاره چه رقم بود؟ باز غیر هزارا چه رقم بود؟ چقدر صمیمانه بود یا خصمانه بود؟

جواب: او قدر مو د بین دیگر هزارا نبودیم. د بامیانم که بودیم، مو د یک قریه ای کوچک بودیم، یک ۲۰- ۳۰ خانه بودیم. هزارا او قدر د دور و پیش مو نبود، کلگی شان از قومای خودون مو بود. دیگه د افغانستان (کابل) هم که بودیم، قد کس دیگه او قدر چه ندشتیم.

سوال: باز با قوم و خویش خود شمو رابطه د چه حد بود؟ داد گرفت چه بود؟ د چه چیزایی قوم و خویش حمایت موکد؟ شمو قوم و خویش ره د چه چیزای حمایت موکدین؟

جواب: حمایت دیگه... هرکس گرفتار خود بود دیگه کس...

- پیشتر از شمو با کسی که مه قصه کدوم، او موگفت که اگر یک کسی مثلاً (اونام از بامیان بودند، نگفتند از کدام ولسوالی) ولی گفت مثلاً یک کسی اگر فوت موشد ولی خانواده شی فقیر بود، باز همی قوم و خویش جمع موشدن بری فاتحه و مراسم کفن و دفن و اینای شان انداز (سهم گرفتن مالی) موکدند که امو آبرومندانه برگزار شوه.

-آره، راست موگه. او کارا ره موکدند، آره. فرضاً د قوم ازمو د رواج از مو استه که وختی که تا امیالی ره هم ما امی رسم و رواج ره داریم که وختی که امو یک نفر فوت موکنه از عضو یک فامیل، دیگه کل فامیلا، نزدیکانای شی جمع موشه، ا مو فامیله بری دو روزه، روزه، تا که وختی که جنازه ره دفن شوه، فاتحه بگیری، تا چند روزه او فامیله نان میدیم، جمع موشیم.

سوال: باز همی کمک کدو د عروسی چقه معموله؟ بری نو عروس- نو داماد تحفه چقه معمول بود؟

جواب: او ره هرکس به وسع و توان خود یک چیزی میورد د عاروس و داماد دیگه.

سوال: یگان داستان یا ضرب المثلی که هزارگی بوده باشه و یاد شمو استه؟

جواب: نه، هیچ چیز یادم نیست.

سوال: غذاهایی که معمول بود و خانواده روزانه مصرف موکدین، چه بود؟

جواب: د افغانستان يا د باميان؟ کابل و باميان؟ د باميان خو ما معمولاً اينمی از آرد هرچيز جور موکد، مورخود. مثل کاجی بود، دلده بود، فرضاً همی شیر گاو و مال (مواشی) بود. مالداري بود، نه. اينمی شیر بود، دوغ بود، مسکه بود، همی چیزای دهقانی مردم استفاده موکد.

- د کابل معمولاً چه بود؟

- د کابل انمو چیزی که فرضاً رواج بود، امی برنج بود، قورمه کچالو بود، يا یک شوله بود، هرچیزی که خدا وسع می کرد هرکسه یک چیزی که دشت، انمو ره پخته موکد.

سوال: صنایع دستی معمولاً چه داشتین؟

جواب: د کابل یک جاکت موبافتیم، جاکت کرایي میوردیم، موبافتیم. يا خودون مو مورافتیم پشم گوسفند از لب دریا، دریای کابل از چیز می گرفتیم، او ره میوردیم موششتیم، باز یک نفره می دادیم او ره د مو می ریشک، باز انو وخت او ره می گرفتیم جاکت که قد ازو جاکت جور موکدیم. سوادایی، جاکتای چوغی. او وختا زیاد مد بودک. وختای که اوروسا امدد، زیاد جاکت می خریدک. روسا می خرید، مخصد از مو زیاد امو قوما بودیک که دکان دشت، باز وا می خرید، از مو می خرید، د ازوا سودا موکد. امی چیزا بود. دیگه اینی گلدوزی، خیاطی، دوخت سر میزی، دان پاچه، هر چیزی دشتیم. صنایع دستی اینمی چیزا بود.

- باز اینا ره که نام بردید، هم برای مصارف شخصی موکدین یا کرایي؟

- آره، بر مصارف شخصی، د خانه استفاده موکدیم. دیگه کدم چیزی ندشتیم.

سوال: د کابل که بودین، طبعاً همسایه تو از هر مردمه، نه. اول که د بین خود هزاره ها قومای اسماعیلی داریم، دوازده امامی داریم، قومای سنی داریم که البته با شنی ها این اواخر نزدیک شد، نموفامم د او وقت چه رقم بود. باز همسایه تاجیک داریم، پشتون داریم، ازبیک داریم، از دیگه مردم. من طرفای دشت برچی زندگی می کردم که قومای قزلباش و بیات زیاد بود. باز شما در همین جمعی که زندگی موکدین، چه رقم

نشان می دادین که شمو هزاره استین. دیگه مردم جدا از قیافه و از فزیک، چه رقم متوجه میشدند که اینا هزاره اند؟

جواب: من گفتم که د مو نزدیکای مو د افغانستان (بامیان) هم که زندگی موکدیم، معمولاً امی یک منطقه بود، کلگی شی از قومای خودون مو بود. کلش. بازم یگان کسایی که بود، مو د کس کار ندشتیم دیگه. بعضی وخت توهین موشدیم به نام هزاره بودن، نه. توهین موشدیم، به خاطر دین و مذهب، به خاطر هر چیز نه. توهین موکدن.

- چه موگفتند؟

- مو ره توهین موکد دیگه؛ دیگه نفرا. فرضاً هزارای دیگه موگفتند که اینا غالی (کسی که در مذهب دچار غلط یا اشتباه شده) استن یا اینطور چیزا.

سوال: یک سوال بسیار مهم این که ای شما هم به عنوان هزاره و هم به عنوان هزاره اسماعیلی مشکلاتی ره که رو به رو شدید، چه بود؟

جواب: هزاره اسماعیلی؛ خودم شخصاً اسماعیلی استوم. اینمی مشکلات استه که ما ره اصلاً کس خوش ندشت.

- همی خوش نداشتن خود را چه رقم دشما می رساند؟

- به خاطر همی دین و مذهب هرکس توهین موکد که اینی یا مچم اسماعیلیه است و بعضی چیزا می گفتند.

- قصه کو اگر راحتی.

- نه دیگه، گفتم دیگه در تو همو چیزا ره.

- ما انمو ره می خواهم بشنویم که چه موگفتند؟ ثبت کنیم که در آینده برای اولادا و نواسه‌های تان دوست ندریم او اتفاقات بیفته.

- خو مخصد راحت نبودیم به خاطر توهین ها. به خاطر مذهب خود راحت نبودیم، به خاطر هزاره بودن خو راحت نبودیم، فرضاً د بس د هراجای که مورافتیم، توهین موشدیم. هزاره ها ایطور استه، هزاره ها او طور استه. هزاره های موش خور موگفتند، خود شمو خبر درین. به خاطر دین هم انمو گفتوم بریت که موگفت اینا غالی استه و اینا چطور استه و چنان استه.

سوال: منظور شان چه بود؟ غالی چه معنا میته؟

جواب: غالی معنا یعنی که یا از .. نموفامم معنای شی دیگه. مه چه موفامم معنای ازو چه بود. یک نام مانده بود دیگه.

سوال: در قصه اینطور چیزها هم بود که مثلاً د مسجد راه ندن یا د یگان چیزی به خاطری؟

جواب: د مسجد؟ مه د می چیزا متوجه نشدم، شاید. بعضی چیزا مشکلاتا زیاد بود. در باره دین و مذهب زیاد مشکلات بود.

سوال: می توانید در مورد اینکه چرا و چگونه افغانستان را ترک کردید، معلومات بدهید؟

جواب: چرا به خاطری ازی که د دورانی که ما افغانستانه ترک کدیم، افغانستان زیاد نا آرامی بود. اول ایم که جنگ ازره و اوغو بود، جنگ ازره و پنجشیری بود، باز مجاهدین اماد، مجاهدین اما دیگه ازره در هر صورت د هر رقم اذیت موشد نه. د می صورت کل خویشا قومای مو هر روز که می خیستیم که چار طرف مو موتراره پر کده بور شده مورند. و همچنان ما پنج اولاد دشتوم، یک دخترم د پاکستان پیدا شد. مه از ترس چیز که اولاد مو دور از جان کشته نشه یا یک چیزی نشه، از همین گریختیم رافتیم پاکستان. جنگ بود، نفره هر روز د کوچه مو جنگ موشد، نفره کشته موشد، خیلی از قومای و دوستای مو کشته شدند د کوچه مو.

سوال: د کجای کابل زندگی موکدین؟

جواب: مو د تاینمی، چمن ببرک.

سوال: باز معمولاً قوما و خویشای شمو ره کی موکشت؟

جواب: امی جنگ که موشد، جنگ از ره و اوغو موشد، از پنجشیری و از ره موشد، اینمی جنگا موشد که یک یکی دیگر ره می زد.

- باز اینا خو د جنگ خو دو تا عسکر رو به رو اند، همدیگر را می زنند. باز د کوچه مردم ره چه کار داشتند به آدم بی سلاح؟

- خو میمادند، حمله موکدند. یا مردای از مو کلگی شی د کوچه یا کلگی شی سنگر می گرفت، به خاطری حفظ فامیل خو. شو تا صبا ره یا کلگی شی د کوچه بود، سنگر می گرفت.

سوال: مسیر کابل تا پاکستان را رفتید، آسان بود یا سخت بود؟

جواب: نه، او آسان نبود. مو تا پاکستان که رفتیم، د طیاره رفتیم د پاکستان. به خاطری که از ره بگیر بود، از ره ره می گرفت د راه که میدید.

سوال: که می گرفت، باز چه کار می کرد؟

جواب: که می گرفت دیگه یا نموفام دیگه، یا د عسکری ری موکد یا موبرد بندی موکد. امی کارا ره موکد دیگه.

سوال: کی بیشتر آوازہ بود کہ هزارہ را می گیرد؟ کی می گرفت معمولاً؟ حکمتیار می گرفت؟ سیفا می گرفت؟ کی می گرفت؟

جواب: ہم سیاف بود، ہم اینمی پنجشیری یا بود، ہم اوغو بود. کلگی شی می گرفت.

سوال: اینطور شدہ کہ کسی رہ گرفتہ و بیخی کشتہ باشند؟

جواب: عا شدہ، چطور نشدہ؟ اول کہ مو خودون مو یک دفعہ رفتیم طرف مزار از اینجہ از افغانستان زیاد نا آرامی شد، رفتیم طرف مزار. د مزار رفتیم، چند تن از ہمی بچیکچای جوان قومای مو رہ از موتر تا (پایین) کد، گرفت. گرفتک دیگہ، د قد از یا یک نواسہ کاکای مہ قد از مو بودک، دیگہ ایرہ ہم گرفتک. باز کلگی از یا پیسہ جمع کد د موٹروان (رانندہ) داد، موٹروان رفت، یارہ خلاص کد. از گیر ازوا خلاص کد، از امو نفرا کہ یا رہ گرفتت. منظور شی اینمی بود کہ از یا پیسہ بگیری.

- باز ہم خوب شدہ کہ با پیسہ ایلا کدہ.

- بازم خوب شد. باز یا پیسہ جمع کد د موٹروان دادک، موٹروان رفت یا رہ خلاص کد، باز رفتیم پس مزار.

سوال: چند وقت د پاکستان ماندید؟

جواب: سہ سال.

سوال: در آن سہ سال زندگی چہ رقم بود؟ د کابل گفتید کہ آغای عادل انجینیر بود، کار و بار خوب داشت. آنجا زندگی چطور بود؟

جواب: آنجا زندگی خوب بود دیگہ. زندگی معمولی بود. تیر موکدیم.

سوال: از طریق سازمان ملل به کانادا مهاجرت کردید؟

جواب: مو از طریق کمیته اسماعیلی.

سوال: طبعاً از طریق کمیته اسماعیلی که میایند، آدم د مسیر راه و مسیر مهاجرت یک سری سختی ها را می بیند. باز یک تعداد آدمای خیلی اعتقادی اند. امو اعتقاد شان به خدا یا به مولا یا به هر چیزی باعث می شود که سختی ها را تحمل کند. این اعتقادات به سختی های که شما می کشیدید، چقدر نقش داشت؟ خیلی می گفتید توکل به خدا یا توکل به مولا؟

جواب: بله، با توکل به خدا سختتیا ره کشیدیم. هرچیزه د افغانستان کل مردم امو سختتیا ره کشیدند.

سوال: هزاره بودن امروز برای تان چه معنا دارد؟ وقتی به کسی می گویی هزاره استی، د کنارش چه حسی دارید؟

جواب: هزاره بودن امروز برای از مه زیاد افتخار استه که ما هزاره استوم. به خاطری که از ره یک مردم بسیار با غیرت استه، با همت استه، با شهامت استه. هیچ وقت گدایی نکرده، به هر شکلی امو چیز خو ره پیدا کرده؛ به جوالی گری شده، د هر رقم کاری که شده، دست خور پیش کس دراز نکرده. امی بر از مو افتخار نیسته؟

سوال: هزاره های کانادا هم همان گونه اند؟ سختکوش اند؟

جواب: بله، انمو رقم استه. هیچ وخت... به هزاره بودن خو کلگی مو افتخار دریم.

سوال: همین داستانی را که ما ثبت می کنیم، برای نسل آینده هزاره است. مثلاً نواسه‌های تان که همین جا تولد می شوند و کلان می شوند. باز شما دوست دارید که آنان کدام فرهنگ ها و سنت‌های هزارگی ره حفظ کنند در آینده؟

جواب: مو دوست داریم که اینمی کلتور و culture که داریم، فرضاً عید داریم، نوروز داریم، هر چیزی دیگه‌ای که داریم باید کوشش موکنیم که امی بری آینده‌ی نسل آینده مو بشه.

سوال: چه چیزی در مورد نسل جوان که می بینید، نسل جوان هزاره منظورم است به شمول قوم و خویش تان، چه چیزی شما را به آینده اینها امیدوار می کند و چه چیزی نگران تان می کند؟ وارخطای تان می کند؟

جواب: خو نگرانی هم زیاد است. به خاطری که دیگه اینجی یک مملکت آزادی است نه، جوانا که استه خوش استه که آزاد باشه، سر شان چه باشه. باز اینمی چیزا باعث نارامی از مو استه. ای چیزی خوشال موکنه که آدم یک اولاد عالی و صالح تربیه کنه، د هر جای که باشه؛ چه د کانادا بشه، چه د هر جای دنیا که بشه، اولاد آدم باید عالی باشه، صالح باشه، د راه بشه. اینی چیزا استه.

سوال: پیامی که برای نسل آینده هزاره دارید، چیست؟ از شان چه می خواهید؟

جواب: اینمی پیام مه استه که باید اولادای مو به می کلتور و رسم و رواج هزارگی خو ادامه بدیه.

سوال: چه چیزی را بیشتر تاکید می کنید از سخت کوشی که نام گرفتید، اعیاد و مراسم دیگر؟

جواب: اینمی مراسم فرضاً مراسم عید استه، نوروز استه، عاشورا استه، هرچیزی که استه باید اینمیزی بادی اینمیا دور نباشه. هرچیزه که امیالی امی د می نسل که مو دری باید اولادای مو امی چیزا ره تعقیب

کنه. فرضاً مساله فاتحه استه که مو فاتحه می گیریم، هرچه مراسمی. یا هم باید د اینمی چیزا از پشت از مو ادامه بدن.

سوال: برای سایر کانادایی ها پیام تان چیست؟ کانادایی های که هزاره نیستند؟

جواب: وا دیگه بری شان پیام از مه اینمی استه که وا هم د مو culture و کلتور و هرچیز خود باشند. با هزاره ها خوب باشند، دوست باشند. اینه امینجی که استیم، کلگی مو د می کانادا کلگی مو خانه ما استه. از کلگی؛ چه سیاه باشه چه سفید باشه، چه افغانی باشه، ازره باشه، کلگی مو یک استیم امینجه. کلگی باید یکی باشند. دوست باشند بین خود.

سوال: کدام چیزی مانده که شما در ذهن تان باشد که قصه کنید در موردش و من نپرسیده باشم؟

جواب: نه دیگه، فکر نکنم چیزی منده باشه.

تشکر بسیار زیاد!